

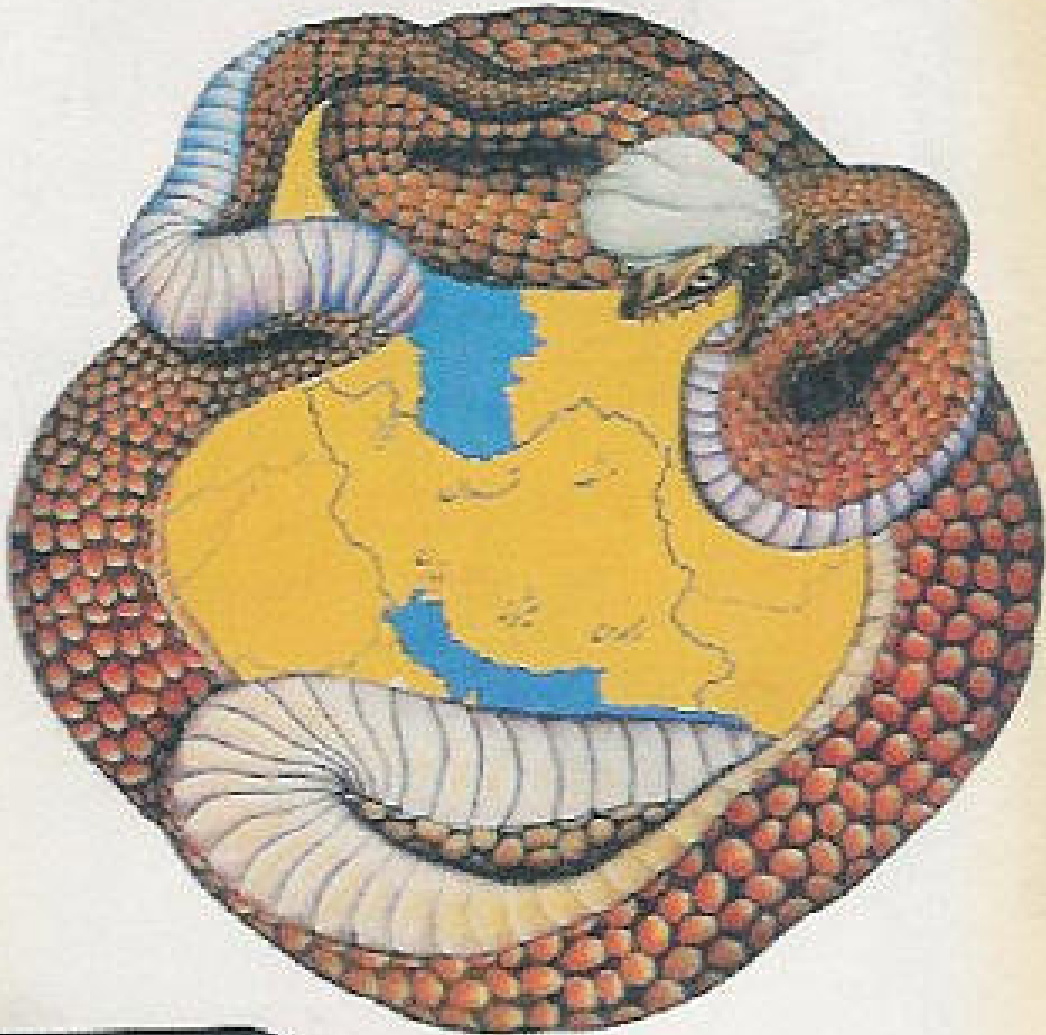


۶۵۲

MONTHLY  
**POST IRAN**  
SEPTEMBER 1987 No. 66

# پست ایران

شماره ۶۶ - سال چهارم - شماره ۱۹۸۷ - خرداد ماه



**انورالسادات : سرزمین من مانند قلب من  
بروی ایرانی ها باز است / شاه بروایت  
هیکل / علی امینی : نا امیدی از جوانها  
مرا به میدان کشاند / فروهر امریکائی**

Austria 30 Sfr  
Belgium 40 B.F.  
Canada 2.00 Cdn  
France 30 F

Germany 5 DM  
Greece 2000 Dr  
Italy 1000 Lit  
Japan 1000 Yen

Spain 200 Ptas  
Switzerland 2.00 Sfr  
USA 2.00 US\$

Sweden 30 Sfr  
UK 2.00 Pounds  
USSR 100 Rub



پست ایران ،  
سال چهارم  
شماره ۸۶  
سپتامبر ۱۹۸۱  
چاپ لندن

۱- مصاحبه ع . نوریزاده با سادات ، صفحات ۴ تا ۷  
۲- مصاحبه ع . نوریزاده با علی امینی ، صفحات ۱۳-۱۲  
۳- فروهر آمریکائی ، ص ۲۸  
۴- شاه به روایت هیکل ، صفحات ۳۴ تا ۳۶ و ۳۹ و ۵۱

ماهنامه سیاسی

# پست ایران

شماره ۸۶، سال چهارم، سپتامبر ۱۹۸۱ - چاپ لندن

مدیر مسئول و سردبیر  
احمدشکرنیا

رئیس هیأت تحریریه  
دکترعلیرضاتوری زاده



روی جلد از آئینه گرامیک  
پست ایران: کارفرانسه

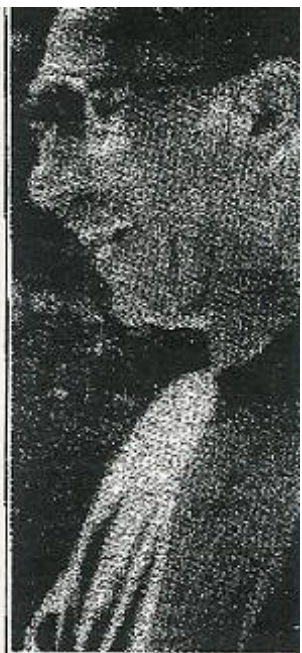
صفحه	عنوان
۴	دیدار پست ایران با روزبندت آنورمادات
۱۱	کتاب فلسفی با حسن تریه
۱۲	مصاحبه با دکترعلی امینی
۱۶	در ایران چه میگذرد
۲۲	دانشمندان بیروح امام چه کسانی بودند؟
۲۲	ولایت فقیه و ولایت زور
۲۴	شاه به روایت هیکل
۴۰	مصاحبه با دکترفریدون کشاورز
۴۴	آخرین روزهای شاه
۵۲	اوتهران تا پارسین از راه کردستان

MONTHLY  
**POST IRAN**



# سرزمین من مانند

## دیدار پست ایران با انورالسادات



و ما زشهای بین المللی  
گزندی به آن نمی رسند  
چه میزبانش مرد توطئه  
و دزوشی و بازی باسی  
نمود. مادات نوریخوس  
یا نامی نبود که از کسبو  
با غلطی راده بر سر قیمت شاه  
چانه بزند.

مادات شاه را پستگاه  
داد و رفتی که در سرگجه  
ناهی از جنین مردم، دلشکسته  
و بران پهای، برای  
گرفتند و بر سر  
شدن می جت و بار دیگر  
عنگامی که در دنا رو بودی  
از میان گسسته بود و حاجتی  
برای خفتن می خواست  
آغوش مصر را بروی گشود، در  
بیشترین قهرهای کشورش از  
و خانواده اش را چا داد. هر  
لحظه بر بالینش حاضر شد  
و هنگامی که ششگاه  
در مجیزترین بیمارستان  
مصر جتم از جهان فرو بست  
با مراسمی که در خورشیدمان  
بود و او را تا آرامگاهش بدرقه  
کرد. و تا امروزند آن قصر  
را از خانواده شاه بازگرفته  
و نه محدودیتی برای آنها  
بوجود آورده، آنها آنقدر  
آزادند که از قصر که  
روزگاری شاه تختش  
دیدار شاه در زمان ولعیدش  
با غزبه خواهرش ساسانی  
و اولین شمشیر بود، به دنیا  
اعلام کنند که قهر  
غاجان حکومتی تهران  
دارند. و فرزند شاه آنقدر  
آزاد است که هم از این کاخ  
خویش را بر ما فادوم تواند  
براستی مادات گیسو  
این تخت به ساله مصری  
سه چیده که لمان بیست  
کاردن سی پرتو چرخش  
ناحر از بهایش و تحمل لذت  
می برد، بجای زیستن  
در خانه ای معمولی در قصر  
رحمی می کند. و هر که با نسی  
سازد از اینکه برادران  
عربش او را خائن به آلمان  
اعراب و فلسطین خوانند،  
و بسته به آمریکا باشند  
بدانند و با از حلقه اتحاد  
خویش او را سرانند. برای  
مادات هیچکدام اینها  
اهمیت ندارد. از مسر  
میدان بلاست و با بلا خند  
صیدانند که ملتت سی سسبال  
در راه آرمان فلسطی با  
میلونها کشته، میلیاردها  
دلار خسارت و انصاف در هم  
شکسته، حالا باید بگر  
خود باند.

حسین هیکل در پست

مطبوعاتی پس از آنکه با  
توسل به حافظ گفت :  
از خون دل نوشتم نزدیک  
دوست نامه ،  
اشی را پست دهران همسرک  
القیامه  
گفت که افسوس  
از اشغال وطن و آزاده از  
برادران عرشه ایران  
آمده است که فرهنگی برنار  
و عظمتی دیرینه و مردی بر بار  
از غلطها را نشانی دارد.  
آرزوی باور نمی کرد  
پس از نامه قلب دستان  
عرب و شرقی زمین بوده  
کلمه ای می توانست  
اوقیانوسی از اسمایسارا  
به حرکت در آورد و با نسی  
مادات که با وجود داشتن  
مشاغل مهم در عصرنا سرور  
حمله سیاست اول او هرگز  
در پایه شخصیت نام  
چنان شمولی خورش توانست  
بود خودی می باشد، قادر  
خواهد بود مدتی طولانی  
دوام بیاورد و به رویای  
ناحر که آزاد کردن خاک  
اشغال شده مصر بود حمله  
میواند. اما آنچه او موفق  
به انجام آن شد نتوان داد،  
که انقلاب بیست و سوم  
تنها بوجود آورنده ناصر  
نبوده است که این یکی نیز  
از آن چهره های است که  
تاریخ مصر هرگز فراموش  
نمی کند و دنیا هیچگاه رفتار  
و کردار او را از یاد نخواهد  
برد.

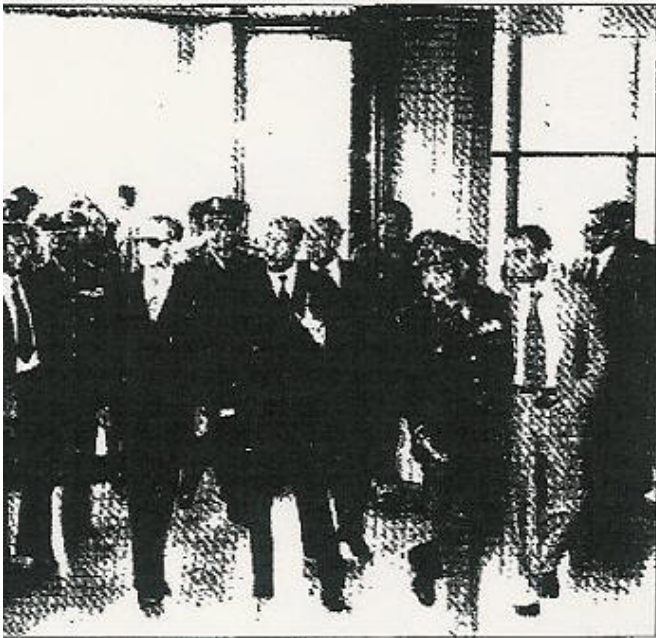
دوازده سال پیش  
به ایران آمد. در لحظه ای  
که ارتان ناصر او را  
اعتقاد و میلزل می خواندند  
و معتقد بودند که او هرگز  
شهادت رویا رویی بنا  
اسرائیل را نخواهد داشت.  
با آنکه سالها واسط  
کشور و رژیم که او یکی  
از متعصبین مخالفان  
و ادانت با ایران شیره سرد  
و تنها پس از جنگ ۶۷ به حال  
تادی در آمده بود. به شاه  
ده بار بار دلت را با زگفت  
و با آنکه شاه متهم بود که  
با اسرائیل روابط پنهان  
دارد او از حدت در جمله  
به اسرائیل و رفتارهای  
آگاه نبود. از همانجا  
که بین آن دو لغتی بر نیاید  
حداقت و خلوص دیده اند و هم  
از سابق الفت بود که شاه  
پس از او آرگی و از دست  
دادن تاج و تخت نزد مادات  
بر نیاهی یافت مطلق  
که باد و باران شوکده ها

عصر لندن در آغاز آگوست دلپذیر است و از آن مطبوع  
دیدار با مردی است که حالا نام و اعتبارش در ردیف رهبران  
بزرگ جهان است .  
درواقع پس از بزرگ "نیتو" دنیا جستجوگر یک جهان سوی  
برای جانشینی او بود و حالا آقای محمد انورالسادات رهبر  
مصر بخوبی توانسته ویژگیهای خویش را برای این جانشینی  
نشان دهد.

مادات روی روی من است ،  
برای دیدار با او که دوروزی ،  
در لندن است به سفارت  
مصر رفتم ام حمام  
امینتی سخت بود و گذشتن  
با وجود فراوانی ناممکن  
، که لطف دوست روزنامه  
نگار مصری اینهمه حصار  
رامی نکند مادات محکم  
استوار و سرجال و شاداب  
با لباس آخرین مد، کفشهای  
ایتالیائی و بیره ای که  
بقه پهن دارد، پستی  
خویش بوی را روشن میکنند  
با آنکه جز من ندچار اسهل  
فلم مغرب زمینی هم حضور  
دارند ولی خیلی زود مادات  
با جمله ای فارسی که بر  
از حلاوت است مرا از دیگران  
مستثنی میکند .  
غرب از وطن خیلی  
مصیبت است فان ؟  
با تلخی سرنگان میدهم .  
روزنامه نویسی آوازه ام که  
روزی ریش به خانم  
می آمد و امروز من به  
دیدار او در خانه ای که بسوی  
و ششم را دارد آمده ام ، عصر  
دو شنبه است ماه آگوست  
سال ۱۹۸۱ .

روی بلدگان خوابم  
که ظاهرند پیش از آنکه  
نگاه من متوجه میزبان  
نود سرت را تا آنجا که  
می توانست بالا گرفت  
کوشی نقد دارد فاطمه  
هزار کیلو متری تیران  
شراز راه نگاه طوسی  
کند آنگاه سر سران

# قلب من بروی ایرانی ها باز است



● مصر سادات ، تنها پناهگاه برای شاه فقید

دوست ویران شده را در خانه اتی جا دهد و طعمش را با او قسمت کند . در باره اینکه شاه که بود و چه کرد نمیگوئیم ولی آبارفتاری که سادات با تاه داشت حتی دشمنان شاه زایه تکفیر نداشتند و وادارشان ساخت به سادات احترام بگذارند ؟ . وقتی دوشنبه سوم آگوست به دیدار سادات رفتم آنچه در ذهن من سگدانه ، سفره رهن بود ازایه ناصر به روشنائیهای عظمت یک رهبر ، روزگاری به سب پرستی که از وضع آوارگان فلسطینی دانستم ، سادات زایه دل راه نمی دادم ولی امروز آیا آنچه در سرزمین گذشت نماند به سادات حق بدهم که به آنچه میکند درست بوده و تنها از راهی که او می رود بتوانم برای آوارگان سخی دست و پا کرد ؟ بشیبه در صفحه بعد

حال آنکه ملج سادات ، سیمای را آزاد نموده ، جاه هسانی نقت مصر را به مصر بازگردانده وضع مردم روز بروز بهتر شده و مصر بدون کمک برادران ناسیاس عرب دوام آورده ، اعراب پیدا رنده اند و مسراره دنیا اقرار می کنند که سادات ، مودیکه سرای نخستین با رجا یزه صلح نوبل را بعنوان یک اهل تشرق دریافت کرده بود ، در دست حی اندید و خطا و خطی رهاشی است حال آنکه سید شاعرهای رهبران با مصلح انقلابی ، به اسارت رهنمونت خواهد کرد . با همه آنچه گفتیم ، هرگز نمی توان از چه ره سیاسی سادات سخن گفتند و از شخصیت انسانی در قی نزد سادات نمونه بسیار مصری کامل در همه اعصار تاریخ است . مرد عاقله ها ، دوستیها ، کرد و دوامی و بیرونی و تداکاری ، رفتگی که جرات است با همه خطرها

در کنار یکدیگر گفت و از برادری و همدلی ، و بعد جمله صلح خود را آنقدر ادامه داد تا در کمپ دیوید بنیاد ملجی همیشه زایا ، سراسیمه بی ریزی کرد . ولی برادران عرب که به شمارها بیش از واقعیتها عادت کرده بودند همچنان با احساسات کودکانه و بسا این خیال که سادات روزی صهیونیت ها را به دریا ساریزند فرمان عیسایور را خاش خواندند ، دهها بار برای کشتن و در هم شکستن شوشه کردند ، مصری را که ما در آنجا بودیم صریحی را که سادات خواندن و نوشتن آموخته بودند معلم و پزشک و سرس و متحصصی به کشورهایمان اعزام کس کرده بودند ، فرهنگ معاصر غرب را با ادبیات و شهر و قیاسم و موسیقی خود را محبت سازی حیاتی رسانده بودند ، تحقیر میکردند و یک بچه کور می نوشتارنده ، نفتی که تا امروز شیرتر می خورد و در صحرای خیمه رده بود و حالا از برکت مغز و دست متخصصان و اسادان مصری به دانشگاه راه یافته بود ، توی کلاب بر میخاست و به استناد مصریت میگفت : بیچاره اگر پول من نباشد تو از گرسنگی میمیری و ملتت نابود میشود . مصریان از این کلمات بسیار خندیدند و در شستان سادات از این دست شما تنها فراوان از دوستان و برادران دید . ممراد رجحان مسزوی کردند . و کمکها بیان راسته سرزمینی که در راه حمایت از برادران عرب از خوبیش گذشته بود ، قطع نمودند . به این خیال مصریان را بر سادات بشوراندند و بقول خود قطار کمپ دیوید را از حرکت باز دارند ، ولی مصری مغرور که شش هزار سال فرهنگ و تاریخ در پی داشت مثل آن کوبیتی شو نوار شده بود . او و فرایمان و خلوس داشت آنهم نسبت به مردی که میخواست ممراد را سازی کند . مردم در پشت سر سادات ایستادند و امروز اعراب نیز از خواب بیدار شده اند آنها می بینند که تمارحای رهروانان سحر بد رحمتی و رنج چیزی نصیب آنها نکرده

نزدیک ناصرو مردی که نتوانست با سادات بسازد در کتاب " راه رمضان " می نویسد : روزی که سادات در جاده اسکندریه به من گفت اول رمضان قصد حمله به اسرائیل دارم ، باور نکردم . فکر کردم قصد آن دارم باسک حمله تبلیغاتی به کمانی که متهمش کرده اند در مقابل اسرائیل و تجاوزانش سگوت کرده ، پاسخ دهم . ولی او با جهردای مصمم گفت نه اینبار وانما " می خواهم به وضع نه جنگ و نه صلح پایان دهم " . گماه معدارتش مصر از کمانال عبور کرد و در مدتی کوتاه هزار ساعت ارتش فیرومان مصر با شکست خط بازو که یک مارینت صوری اسرائیلی بود بر جم مصر را در روز میین زاده شده خود نصب کردند . اسرائیل هیچ و تکفیت زده از مردی که نتوانسته بود تمام دستگاههای اطلاعاتی آنها را به اشتباه اندازد در وقتی بصری برده " موشه دایان گریبان و در هم شکسته قصد حضور در تلویزیون و اعتراف به شکست داشت و کندا با بر مادر اسرائیل با التماس بخت بدایان متهمستان بریکاشی شده بودند که مفراد اسرائیل برسد و جلوی پیشروی مصر را بگیرند . آنچه در روزهای بعدی نبرد رخ داده مهم نیست مهم این بود که سادات قهرمان عبور لقب میگرفتو اعراب بسرای نخستین بار سر بسند میگرفتند و تلخی شکستهای گذشته را با این پیروزی شیرین پاک میکردند . نبرد سادات غافلگیران بود و ملحق نیز . بگفته ای ، سفر او به اسرائیل بسرای بابان بختین به نبرد کور که بی سال آرامش را از منطفه برده است ، بزرگترین واقعه سیاسی دهه هفتاد بود . او به اسرائیل رفت و در برابر چشم عددا میلیون مردی که در چهار گوشه جهان به آومی نگریستند از قفس بیت المقدس بدست مستقیم گفت و از پیروزی رمضان از فلسطین گفت و حق ملت فلسطین ، از زمین



# من در برابر شاه فقید وفای به عهد کردم

و بحران خاورمیانه ، آنتنرین لبنان و سفر قلب حبیب صحبت کنیم .  
 من پیش از این پاسخهای رئیس رامیدانم . من نکته‌هایی دارم در رابطه با سرزیم که ظاهراً طرح آنها چندان مطلوب نیست با اینهمه وقتی در کیرودار ، بحث یکی دو سؤال را مطرح میکنم بی پاسخ نمی‌مانم . رئیس در پاسخ نماینده گاردین در مورد طرح بازار ، مشترک می‌گوید . هیچ چیز نمی‌تواند اساس و بنیاد "کمپ دیوید" را بره‌سید بزند . طرح بازار مشترک می‌تواند تکمیل کمپ دیوید باشد . کمپ دیوید نقطه آغازی بین ازبک با ایران است . مرحله جنگ اینک تمام شده است . جاسی سال را با ستر گذرانده‌ایم و اگر کسی ادعا کند که پیش از ملت من این ترفند کاری را خود گذشتگی کرده است بدون آنکه دروغ می‌گوید ، ماسی سال درآمد ملی ، صنعتی ، ارزش و همه تولیدات خویش را برای صیانت از آرمان فلسطینی گذاشتیم امروز ثابت شده است که جنس هیچ شبحی جز ویرانی و کشتار مردم سال نخواهد داشت من وظیفه دارم برای حل مشکل فلسطین ، و اتحاد یک خودمختاری بعنوان مفده ایجاد یک سرزمین با هویت فلسطینی تلاش کنم . بدیسی است ، این راه را هم هیچ کوشی در کوکرا بخواهم کرد . سادات در مورد بحران لبنان می‌گوید : حبیب سر ووهی خارجی بر این کشور

اهل فلم . آنجا مبرک است انقلاب ، آزادی را چیده اند و ما بیبرکت انقلاب خمینی را عبرت را و وحشت را و اسناد را را تجربه میکنیم . چند دقیقه‌ای می‌ایستم . اعزاء عالمیسه وزارت .. خارج انگلیس نمایندگان عرب مقیم انگلیس که بظا هر کشورهایشان با مرقطع رابطه کرده اند حتی به جام باد و دستی بد زلف با ، رفی خوشی را در می‌سندان سیاست که بی درود و ازه است و بدروما درودوست دشمن هم نمی‌شناسد آغاز کرده‌اند . به عروب نزدیک شده‌ایم که رئیس ما را می‌پدسرد . بیرون در خبرنگار می‌بیسی را می بینم با در زمین و وسائل درمدمد تجیه برنا میسده " باوراما " ولیدایندیسار در باره مصر وطن ما ایران که مدار پیروزی خمینی فراموش شده است . داخل انافی کسسه جی نگاهت به سالن قدیمی سفارت مصر در حیال ایران قواء السطنه نیست . هوست " را می بینم از کاربرد " هالای " ارتابسز " آمیت روی " از دیلی تلگراف خاتم روزانین ادیبسز از لوموند را می منمصور سردیسر اکسیر . خاسم حیوان همسادات نظرسدهای در معارفه جاسرات و بعد به میزبانان دیکسیر می‌پیوندند . قرار است در باره برنامه‌های رئیس ، شیطه نظرهای او در مورد طرح صلح بازار مشترک کسه عملاً مخالف با کمپ دیوید است ، و سع انقضای عصر

شما های نفت زده خطرناک است پس هرآن ممکن است درمدمد ترور او برآیند و ظاهراً یکی دو تن نیز در ضمن رابطه درویسز دستگیر شده اند . گیرودار ، پایلیس . طولانی میشود . و در همین زمان است که انیس میرسد . انیس منمصور را میگویم سردیسر مجلسه اکتوبر سردی که سده " حنین هیکل " سادات مشهور شده است . او آنقدر تارثیس نزدیک است که سه تفسیل از دیدار با سادات بد من میگفت زوالیسا رایبه من بده تا ببینم در باره آن . مارثیس محبت کنم . او ام شب دینمود و کلمه عبور ، و با دوست که از حمار کزبدها میگذرم و عس ز که راه باز کرده است درود میکنم . درون سفارت که دلپذیر و با وضع عرقی ها آرانده شده . همیشه بیاز است مصریان مضمب لندن سده دندار رئیس آمده‌اند . یکی دو سال پیش اکرم صبری را میدیدی و از او شنیدی را می بریدی اصره دمیکت محرا چرا که سرودران عرب چنان منبری ازبکست برنانه او نشاندده بودند که با بیگری خوشی من نمی‌توانست قد راست کند ولی امروز پس از آنکسه حقیقت انده‌های رئیس حتی برای دشمن تر روتسند نه است مصری برلندس سکیرد و با غرور میگویند از سرزنس مصری آیم . یکی دو چیز در می‌نامم روزنه سرمنه رنل مسا

آیا زحیران فلسطینی که با باجها و تپ مسرو دلزهای شیوخ و امرای سعودی و تلج فارس ، و با کمسک در جمع ترین رهبران منطقه کوس انقلابی نمائی میزنند و به وطن من مزدور کسسل میکنند بفکر مردم آواره و در هم شکسته فلسطیند با ساداتی که جستجوگر راهی معقول برای بازگرداندن آنها به وطن خویش است . آقا بان انقلابی کلوله‌ای از لبنان سده اسرائیل فلیک میکنند . اسوقت در حمله متقابلا اسرائیل مدها لبنان سده و فلسطینی بیگناه در خون می‌غلطند تا آقای مارونی ندومی وزیر خارجه آقای عرفات بتواند از برکست باج برادران اروپا در نین و موست کارلو و سلا بخرد ، در کا زینو لبنان هوشب یک معنوه ناره نزه عشی با اند و فای ابوحن سلامه که قبل از کشته‌شدن جریک دون زوان لفسس گرفته بود در هتل فتیما با خاسم جورجنا رزق ملکه زبائی لبنان و جبهان ازده واج کند . دنیای سرکمه آوری است نا اینهمه خنایق زود آشکار مننود . امروز اعراب بسوی سادات باز میگرددند و فلسطینی ها از جواب بیدار میشوند خاش و خادم آبرده بیرون می‌آیند و با این خیال سر در برابر سفایت مصر رسیده‌ام که پلیس امنیتی انگلیس براموشن خلقه زده است . چرا که وجود سادات برای انقلابی



بست ایران

مهمترین مسئله است من ملت لبنان را می شناسم . کلمه گروههای درگیر در این کشور اگر نیروهای کسی بعنوان حافظ منج داوری این کشور شدند و بعد بصورت اشغالگر در آمدند ، این کشور را ترک کنند ، بگردد میز مذاکره خواهند نشست و برای ایجاد لبنانی کسی

احترام همه ملل جهان بود متزوی اخت ، بازگشت به گذشته ، گمشد خرافات جلوگیری از رشد فرهنگی واقتصادی ، برقراری فاشیسم و عصب همه همه حاصل حکومت دوا له و نومه اوست . نگاه کنید همدان چنان که در آغاز فریب اورا خورده بودند رها بش می کنند ، رئیس جمهور رژیم که آرای زیادی در بست سردا است

که تکیه بر شوتهای فکری و فرهنگی این کشور دارد طرح ریزی خواهند کرد . من از دیدن و شنیدن اخبار لبنان رنج می برم . دیدن قربانیان بیگناه و انفجارها دردناک است ولی می بینم که ریان تعقل تنها چیزی است که در لبنان کم شده است . محذرات برنامه های آموزشی برای بهر بود . فتنه د مصر دارد ، سیاست درهای باز اوتساح خود را آشکار کرده است ، اومی گوید :

اکنون سرمایه گزاریهای بزرگ در مصر به اوج رسیده است چرا که صاحبان صنایع ، بانکداران ، سرمایه داران و رجال مالی چنان به این شخص مسخره رسیده اند که مصر سرزمین آرام قابل اعتماد و جاذبی است که قابلیت های بسیار دارد . آنها آمده اند تنها این قابلیت ها بالقوه را به فعل در آورند و بدین شکل برتر از آنچه آنها منتفع شوند ملت من را این منوجه چینی به مصر بچرخد خواهد بود .

به حرفهای رئیس گروش مردم ظاهر نامه تومیها درنگ جایز نیست سوال میکنم خابعدوان رهبر - یکی از سرگشته ترین و مهمترین کشورهای خاور میانه بر شوتهای راسخ ، رژیم خمینی در وطن من پیش بینی کردید آری این بین بینی بر اساسی دآوری بگر جل ستایی او و اینکه بر اساسی نوعی واقعیت در رابطه با رویه های منطقه صورت گرفته است .

رهبر مصری گوید : آنچه در ایران میگردد با هیچ منطقی قابل دوام نیست ، رژیم که میثاق و میثاقی با سرگشته و خونریزی و جاسوس و شکنجه است نمی توانست عمر درازی داشته باشد . نادمان باشد که خمینی در این قرن از معدود رهبرانی بود که کینه فرعی را در اختیار داشت در واقع در آغاز زومی معده استسی و وحدت خواستیا مردم را بست بر او قرار داده بود آنچه کرد ؟ کنوری را که مسور

امروز به غرب می گریزد و جواشایی که خمینی را سرکار آورند گروه گروه و خشمناک کشته میشوند بر روی غنچ ایران و نکادیه آمده ان ، پیش بینسی نمیخواهد . همه چیز روشن است بر پیش چشم مردم آزاده ایران که سخت به فرهنگ و ادب و تاریخ آن علاقه مند مژودی به این روزهای سیاه پایان خواهند آورد سرزمین خوش را با دیدگر در تاهراه ، ترقی و توسعه خواهند ساخت

امداخت مردم شایسته قابلیت را دارند ، آنها که هزاران سال بر جمدهای فرهنگ و علم بوده اند نباید امروز دیچین و مصری باشند . در شهر شاهد فرهنگ شایکی از خدمت های ممتازتان احترام به افکار و عقاید مختلف ، مسلمانان توازی و دوستی و عشق است حکومت رژیم خمینی در واقع همه این خفائل را انکار می کند . سرودهای بسیاری از این انکار را در گروگانگیری دیپلماتها ، کشتار باطریق

مذهب و نژاد ، و تشویق و گسترش دادن ، نوعی نوسیم مذهبی دیده ایم و می بینیم حالا شما فکرمی کنید حتما یا بد از روابط بین الملل آمده ایران را سرگشته کنید ؟ نه همه چیز روشن است این رژیم قابل دوام نیست .

آیا گمان می کنید در یک جانشینی ، سلطنت یا دیگر شایقی دارد ؟ سادات میگویند : این سئوالی است که باید مردم ایران پاسخگوی آن باشند . این شاهست که به هر حکومتی شانس دوام و بقا میدهد . امروز ملت ما تعیین کننده حاکم و حکومت خواهند . میم است که حاکمیت ملت شما برقرار شود آنکه برقراری حاکمیت نظارت می کنند بر سرگرمیده سادات .

می گویم : آقای سادات رفتار شما با شاه فقید و جانوددهان ، چگونه ای بود که حی دشمنان اورا وادار ، به نحمین شنا کرد . بسیاری با شکفتنی سئوال میکردند چگونه است که دو دشمنان

سرزمین آزادی است . ولی اینکه مردم شجاع کسی را با چه لباسی سرگزینند به خود شما بستگی دارد . امروز سرزمین من

آغوش خود را بر روی مردم ایران گشوده است شما برادران و خواهران ما هستید و بدانید که مردم مصر همیشه نگران شما هستند . ولی میدانم که لحظه آسودگی و فرار گرفتن ملت بزرگ ایران دور نیست . خبرنگار انگلیسی گلنگوی دونفره را می کشند سئوال دیگری است درباره سازمان آزادیبخش فلسطین ، رئیس با نا ، بی جواب میدهد . اما

من پاسخ می دهم را گرفتند ام ، در سفری هتم از شمس سرتی ها دیدار کردیم به وطن به تاریخ و آنچه تکرار میشود ، مصر همیشه گذرگاهی برای انسان آواره ایرانی در سرگشتهای بوده ، آن دور کمبوجیه رادارم ، داریوش را ، نزدیک تر ، تا عرعر و قادیانسی را که مدح مذهب منم و خ میکردند و حاکم جبار را مذمت میکنند ، به مصر میرفتند و مذهب فاطمیون را میکرفتند که آنجا شهر آزادی و آزادیگان بود ، نزدیکتر به من سید اعدای بی بود و جریدهاش ، و شاگرد متربش محمد عبده ، آزادی که مصر به اعطا میکرد . ره اشاء بود که جسدش در مسجدی به امانت گذاشته میشد در روز تبعید سرگشتهکی و سرش محمد رضا پهلوی که خاک مصر اورا در خود میگرفت .

عاطفه و وفاداری مصر و بخشندگی نیل شر لطمه عفتت بیشتری میگرفت و ساعت ۸ بعد از ظهر که بهت زده بهرون می آمدم زائری بودم در باران رخسان ظلمی تا هر که خانه کم کرده بودوازیک مصری سراج شهرت را میگرفت .

در کمال آسودگی و آزادی در کشور من زندگی می کنند . آنها این مسئله که رفا پهلوی در کشور مساسا سا جگذاری کرده و خود را رها شاه دوم خوانده است در شرایط فعلی متکفمی برای شما ایجاد نمی کند . سادات یا لبخندی میگویند : گمان میکنم به این سئوال قبلا "لحمو دیگری پاسخ گفته ام مصر

علی رضا سوری  
راه

# شاه به روایت هیگل

● شاه برفراز تهران متلاطم از خلیانش پرسید :  
آیا همه این مردم از من متنفرند؟

● در ملاقات شاه و سفیر شوروی چه گذشت؟



## اشاره :

هجده سال با سوشه ها سن در شرق و غرب جهان غرب چنان کرده بود که هنگام سرکنا ریش از ریاست و مدیریت و سردبیری بزرگترین نشریه جاویمانه "الاهرام" (شهری دوازده) شرقی شاعر و مفهمناسوی دراداموند نوشتن بعد از مرگ ناصر این دومین بار بود که نثرهای مهیب دردناک عرب رخ داد.

محمد حسین هیکل نیت و پشیمانه بود که در سنگر (ناله) در جنگ فلسطین یا (بوربانی) جمال عبدالناصر) آشنا شد. روزی که این جوان جوان با نام سرهنگ ناصر زمام امور را بدست گرفت درکنار سه چهار روزنامه نویسن بزرگ آن روز مصر مثل علسی و مصطفی امین و عبد الرحمن عرفاوی. هیکل بیست و هشت ساله نیز بعنوان نویسنده محبوب ناصر در شورای انقلاب حضور یافت. هیکل درست در کنارتنا سرزند میگردید محبوبیت ناصر، از محبوبیت می یافت، هر بیروزی ناصر پیروزی برای او بود. ناام آمدید، ناام مسراقفصب دنیا عرب کردند. ناخر با کلام و اعمالش و هیکل با کلمات و مقالاتش. وقتی ناصر اورا به وزارت ارشد قومی مصر منصوب کرد چندان شمایی به این شغلی نداشت چرا که بگفته او از قلم و الاثروها ارزش در دنیا وجود ندارد.

پس از مرگ ناصر خشمیا اورا چنان زمین زده میباشند. و با آنکه سادات خبیثی تلاش کرد محبت اورا جنب کند ولی هیکل دل در کوزه کمی داشت که سه سادات عملاً روی روی راه و روش او قرار گرفته بود. امروز با آنکه هیکل روزنامه های ندارد ولی همه روزنامه های دنیای عرب از آن اوست هر نوشته های را چندین روزنامه همزمان چاپ می کنند تیراز کما جایش در جا و حیانه بالانویسن است. و تنها نویسنده شرقی است که آثارش در روزنامه های بزرگ جهان چاپ میشود و تا شوبن معتبر بیرون گریستن امتیاز کتابچایش سرود است می نکتند هیکل. نگار در زمان دکتر صدق به ایران آمد که دکتر فاطمی در مغمفیکاه بود و هیکل نوشت با او مصاحبه ای انجام دهد. غرضوم زمانی بود که بیدار شاه آمد و حاضر آن محاحد ای خواندند و بیسمال بر میگز بود و با رچهارم در زمان پیروزی خمینی به ایران آمد او بیکار نیر با خمینی در بارین دیدار کرده بود. حاضر این دیدارها و برداشتهای هیکل از آنچه او "انقلاب آید اللهها" خوانیده است است در کتابی با نام "تازگشت آبات اللهد" جمع شده است باید اشاره کرد که هیکل در آغاز سخن نعت شاه تبیسر انقلاب بوده و در وجود خمینی ناصر دیکوی را سرخ کرده است ولی امروز این برداشت تغییر می کند. آنچه که می خوانیده دویختن از کتاب هیکل است که سرودی است زبا شای عریس، انگلیسی و فرانسسه میسر خواهند شد.

آنها به ساختنهای اطراف و از آنجا به خیابانی دیگر برنشد میبخت. اسرائیلی ها، سکرسی خود را از جریاناتی که در حال وقوع بود، از طریق تهران به خارج اطلاع شاه رسانیدند لیکن شاه در بیغضی که برای آنان فرساد آنیسا را مطمئن ساخت که ساواک بزودی جلوی این تا میماند را خواهد گرفت.

اینکه آشکارنده است که چهارراه حل مختلف نوط افرادو معاماتی که در داخل و با خارج رژیم حکومتی وقت ایران کار میگردند مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته بود. اولین آنها این بود که شاه تلاشی واقعی را برای اطاق آرا می شروع کند. دوم اینکه به تدریج قدرت فراوان، انقلابی را که در حال پیا گرفتن بود درهم بکند. در این زمینه، عالما

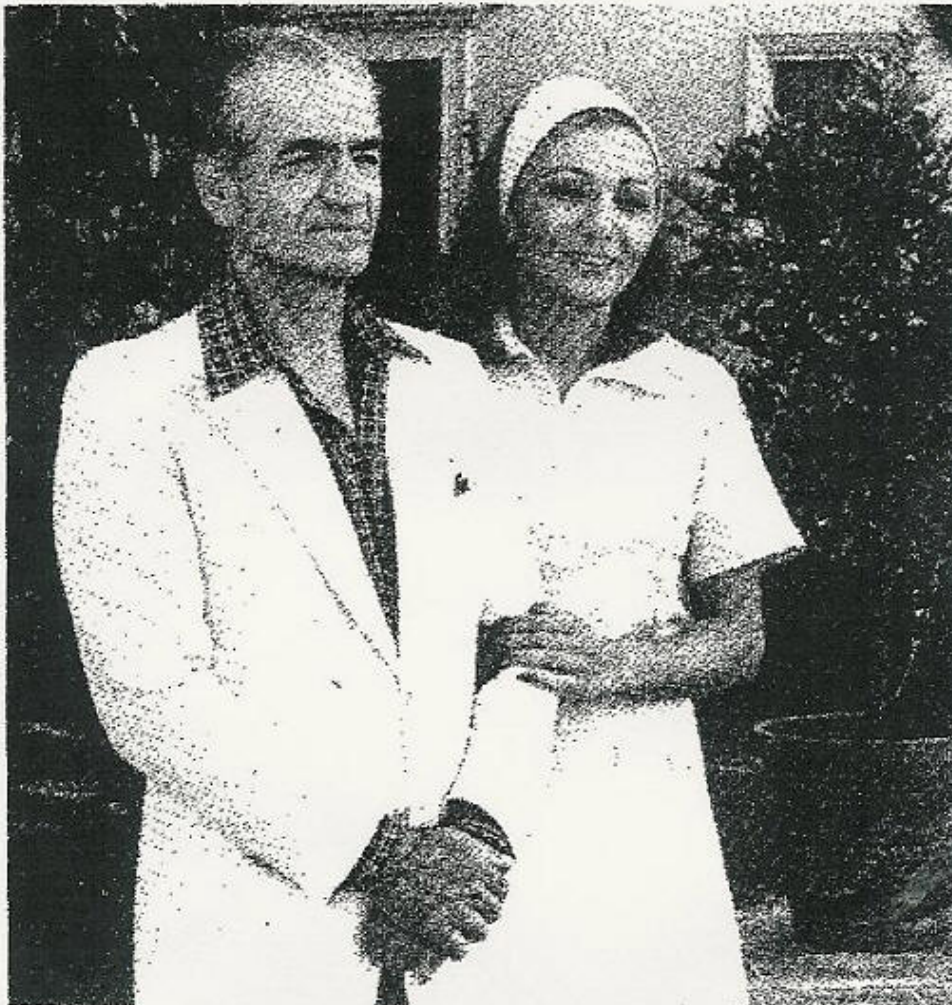
اغیا نظر میدند که اکنون سکر برای اعطای آزادی خبی دیرند و هرگونه اقدام در این رابطه، به دیسیبلین ارتش و بان فراوان واره خواهد ساخت. راه حل سوم که طرفداران زیادی نیز داشت این بود که شاه معاماتی طولانی بعنوان گذار از نهضت و بسا استحواحت کند و دستور سلطنتی صادر کند که سراسر فرج واکدارد. در اینصورت اگر اوضاع روسه سپسودی گذاشت، شاه در میون مساب مارخو هکتست. در غیر اینصورت، فرج، مارسیدن و لیعهد به سن قاسوسنی امور مربوط را اداره خواهد کرد.

تصور میشود، این راه حل از نظر اسرائیلی ها راه حل

اسرائیلی ها و نیس کاشی بودند که رنگ خطر را بدعا در آوردند. بعد رحمت مینود که مان دیکسری را یافت که در صورت سقوط شاه بین از آنها زبان میدیدند. شاه که سروای آنها متحدی قدیمی بود و منافع مشترکی در زمینه تجارت و اطلاعات امنیسی داشتند.

داد و ستد تجاری سه رقمی بالغ بر ۴۰۰ میلیون در سال بالغ میگردد. زاین گذشت، شاه یکی از مشربان بیرونی را "سلحه اسرائیلی بود. حتی در آن زمان که او با جدت فراوان مشغول چک و چاسه زدن با اعفای سازمان اوپک بمنظور ایجاد سیاست نفتی جدیدی بود، سفارتی بالغ بر ۶۰۰ میلیون دلار برای خرید اسفدهای یک سه اسرائیل داده بود. در مقابل خمینی رو بختر دیکمی با فلسطینی ها قرار کرده بود. تعدادی از فلسطینی ها وظیفه محافظت موسمی او را بر عهده داشتند و تعداد دیگری از راهبای مختلف مخفیانه اسحه به ایران میفرستادند تا در بیسین اعفای سازمانهای مجاهدین خلق و فدائیان خلق چهره گردد.

هفت: اسرائیلی رادرتهران که جای سفارت دفتری با نام (دفتر همکاری) نامی کس کرده بودند، سردی با نام (لورانی) عضو سابق سازمان امنیسی اسرائیل (مؤاد) بر برسی میگرد. این دفتر بیشتر یک در نظامی شیا هت داشت تا یک سفارت یا دفتر همکاری. ساختار توسط درهای فولادی محافظت میشد و راهی مخفی، از طریق یک پشکان آبی در بیست ساختمان



مناسب تری بنظر میرسیدند  
شهبانو نیز که هیچگاه  
با خانواده شاه راه خطه خوبی  
بهم نرفته و پیوسته معتقد  
بود که آنان شاه را بسا  
راهنمایی های نادرست  
خود بطرف عاقبت مهلکی سون  
میدهندتبراین راه حل  
رامی بستید. حداقل  
این راه حل ، شطرنج  
برای بصری حفظ می کرد  
جعفر شریف امامی ، سرد  
با نفوذ و سرپرست بنیاد  
پهلوی نیز از این طرح  
طرفداری میکرد. زیرا که  
بداین ترتیب احتمال  
نخست وزیر وی در دوران شاه  
آینده و نفوذ بی چون و چرای  
او در دستگاه سلطنت تضمین  
میشد.

چهارمین راه حل که  
بیشتر از راه حل های دیگر  
بدهان بعضی از کارگزاران  
( سازمان سیا ) مژه میگردد ،  
یک کودتای نظامی بود. از  
نوع کودتایی که قبلاً  
با گمان برای ایوب خان  
دست و پا کرده بودند. اگر  
مردم جمهوری میخواهند ،  
بگذارند چنین چیزی تضمین  
شود.

شاه نفع خواهد شد  
و یک ژنرال مناسب مذهبی  
معاون رئیس جمهوری نشین  
وی خواهد شد و سورتی که  
انقلاب بهم خواهد آمد.

سازمان سیا ، نقشه هایی  
می ریخت که غالباً با آنچه  
در دستگاه حکومتی آمریکا  
طرح میشد متفاوت می بود  
۱۰۰٪ آن نیز در این سازمان  
برای خود برنامه ای داشت  
و برآوردمداران وزارت دفاع  
آمریکا ، پیوسته به ایران  
بیم یکی از بابتکارهای  
اصلی خارجی خود میگویند  
!زاین گذشته ، مگر به اینکه  
ایران یکی از خریداران عمده  
اسلحه های آمریکایی می بود؟  
بنا بر این ظنمی بنظر میرسد  
که دستگاه نظامی آمریکا  
نیز در این قلمرو ، خودش  
را کمتر از سازمان سیا و  
سفارت آمریکا در ایران  
تعداد دارد.

در این زمینه به یکسره  
جالی باید شاره کرد: در  
همان زمان که شاه در تبعید  
آیدی خود برمی برد ، کمیته  
مخصوصی که از طرف کنسره  
آمریکا برای نظارت بر سر  
عملیات سازمان سیا ای اطلاعاتی  
آمریکایی تعیین شده ، گزارش  
را منتر می زد که توسط  
توانمل متبندی در تاریخ ۲۸  
مهر ۱۹۷۸ تهیه گردیده  
بود. در این گزارش چنین  
آمده است که شاه ، حداقل  
تا ده سال بعد از آن تاریخ  
هیچگاه دچار رجوع عسکری  
نخواهد شد. زیرا هیچ چیزی که  
بقیه در صفحه بعد







اساس قدرت اورا بصرا رسیده  
بطلید غیرقابل تصور می نمود.  
و این اساس قدرت ، همانسا  
ارتزاد می بود.  
از اینرو می بینیم کس  
آمریکا بارها بهای مختلفی  
صحت میکرد. شهاب نسی  
صداقت که آمریکا نیبنا  
واقعاً چه میخواهند و لسی  
بخوبی احسا میکرد که آنسا  
چندان به غشه نیبنا  
لطنت اهمیت نمیدهند.

در اوایل سادات  
شرف امامی به شهبانسی  
شدار میداد که وضعیت  
به درجهای از خالت رسیده  
که بپر تقدیر بر عینه است  
که شاه را از واقع آگاه  
سازد. در آنروزها ، شاه  
ولکه چندان یکدیگر  
را نمیدانند. شاه اکبر  
در غمتی از فکر که مخصوص  
کارهای خودن بود بر می برد  
شهبانسی اطلاعاتی که از طریق  
خانواده و کان خسودن  
جمع آوری کرده بودیدیدن  
وی رفت ، شاه اطلاعات و  
اسناد بلکه را سدیده گرفت  
و اورا مطمئن ساخت که خود  
وی منابع اطلاعاتی دقیقی  
در دسترسین دارد و لطیفه داشت  
که کسان بلکه در مورد صحت  
این گزارشها گول خورده اند.  
شهبانسی اصرا خود افزود  
و انحصار کرد که این گزارشها  
را مورد بررسی قرار دهد.

شاه با دودلی و تردید ، این  
تقاضا را پذیرفت ؛ مساجد  
اطراف اصفهان را با اطمینانی  
که بشود ، و راه چینی  
ماه موریتی فرستاد دنیا هست  
تا گزیر به خدمتگزار قدیمی  
خوش رجوع کرد و اورا ماه نور  
ساخت که به شهر برود و ببیند  
که در آنجا چه میگذرد. این  
نسخه با زهد مختصری کسود  
و اطلاعاتی مردنی فراهم  
ساخت ؛

" اعضا شرتا ، این خدمت  
دارد که عدهای از مردم نوی  
خاسانها فریاد میزنند ، و نی  
ابتیا همان کمونیت هاشی  
هستند که بول گرفته اند  
این کارها را انجام دهند"  
شاه بدتره فرج رفت و گفت  
که اینهم اطلاعات دست آوز  
و اینکد وحشت اوکا نیبنا  
نی اساس بوده است . فرج  
به کربه افتاد و اطلاعات  
را ترک گفت . با این وصفه  
شاه می نیبست تا اندازهای  
به شکست آمده باشد زیرا  
روزی بعد ، خلبان مخصوصی  
خوبتر را احضار کرد و بر  
هنیکوبتر ، کردنی برقرار  
بایستت عمل آورد .

خاسانها همه بهر از  
نظا حرکتگان بود . سا  
با باوری از خلبان خود بر سید  
: آبا همه این مردم بر علیه  
بقیه در صفحه ۲۵

فرج تلاش فراوان کرد تا بسیاری از واقعیتها را به اطلاع شاه برساند، وی در این زمینه از همکاران نزدیک دفترش استفاده میکرد. اما شاه کمتر آنچه که شنیده بود، به گزارشهای فرج اعتماد میکرد.

شاه ...

من نظامی هستم (کنند) غلبان پاسخی ندا لیکتیک کتوب وی پاسخی کامل بود. شاه و امانده و درهم فروریخته به قصر با گشت. اندیشید که دیگر کسی نباشد که بتوان به او اطمینان کرد. آن بازید، همان شب یک نتیجه عجیب سرا آورد. شاه به قسمت خصوصی خود در قصر رفت و دو نفر مستحق خود را که همیشه با وی بودند اسرار کرده و میورا کنده اند که از آن بعد، هیچ احدی را قبل از زاری بدنی کامل بدون راه ندهند. بعدها، یکی از این دو نفر را برای آزادی میندین بازگان، گرسه



نیکسون ، کیتچر و راکفلر سه یار صمیمی شاه در دوران تبعید



سر بر تافته بودند. افغانستان سایل به پیخته بود. غوری مناطق نفوذ جدیدی در معدن و اتوبوسی ( حیشه ) بدست آورده بود و حالا بظن میرسد که در ایران نیز، نشانه های جدیدی ظهور میبرند. اما این نشانه ها چه سودند؟

برای مثال ، روسیها فکر میگردند که مخالفت های پاتاه جبری مطابق با ایمان فرمولهای انقلاب پورژوازی، است ؛ آزاد میخواهان خشم حکومت مطلقه و اجرای قانون اساسی سال ۱۹۰۶ را خواستار بودند. اما در اوایل سال ۱۹۷۸ دیگر روتن شده بود که این طرز تفکری ساده گیرانه محلی ندارد. بخاطر میآورم که یک مقام عالی داری روزی من گفتند " در خاورمیانه ، انقلاب همیشه از جایی بر سر خیزد که ... ر سرورد ؛ انقلاب سال ۱۹۵۲ مصر ؛ زارتش سرچشمه قدرت و از آنجا که ارتش

ایران را فرا گرفت ، شاه قول اعمای آزادیهایش داد و وعده کرد که بی زودی انتخابات پارلمانی جدیدی برگزار خواهد کرد. آیت الله خمینی از عراق به پاریس نقل مکان کرد و با او آمده زبانی از هم را هاشن کرده دایسه انقلابی اصلاحی داشتند تیا عزت کردند ، در شمال ، اتحاد جماهیر شوروی با هیجان و تگفتی ، جریان خود را ، از اتمام مرافقت سفید میکرد .

اولین اظهار نظر رسمی روسها درباره حوادث ایران ، در تاریخ ۱۹ نوامبر در روزنامه پراودا منعکس شد . بر ژنرل هنداراده بود که هرگونه مداخله آمریکا در امور داخلی ایران ، بخصوص مداخله نظامی را بی ضررند ؛ اقدامی که امنیت روسیه را بخطر خواهد انداخت تلفی خواهد کرد .

سکوت فیزیکی مگسوز باز نانی بود از مشکلات سیاسی ایران روسیه در زمان ایجاد یک سیاست منحصردر برابر همباید جنوبی خود ساساتی که ضمن در برد آستن طرز فکر کمونیستی ، بیایا خواستهای فنی ؛ منیست روسیه در آنجا همگنگ باشد . در سالهای دهه ۱۹۵۰ بنظر سر سید که آنجا موقعتی در این زمینه بدست آمده بودند ؛ معاهده نظامی با سر . انقلاب عراق و ارجم با شنیدن پیمان بعد انهدگی نوجت های بدست داده بود با درجه کشورهای متبایل به عرب ؛ ترکیه ، پاکستان ایران ؛ خلیج ایجاد مایند . لیکن ما نکند اعراب در جنگ ۱۹۶۷ و بعد با ایران . تاجار شوری انور سادات ، تاجار خونده که با گاه تازه ای به کشورهای این منطقه میگردند ترکیه و پاکستان ارایه گشت کوش بهرمان غرب با تندن



اعرف در مراسم تشییع جنازه شاه فقید

شاه همیشه تهاست سی خود را یک بار برده بود که با غوری روابط حسنه ای داشته باشد . ناه بین گاز وقت مورد احتیاج شوروی و تحویل مجدد افرادی که با مندیپنا زندگی سیاسی با ایران میگردند از جمله اقداماتی بود که در این زمینه صورت میگرفت . روابط خصوصی شاه با وینوگرادوف ، همیشه بر پایه احترام مقابل قرار داشت . هرا زگاهی سفیر افتخار این رایید میگرد که پاتاه ملاقاتی غیر رسمی داشته باشد . در این ملاقاتها شاه دلگرمی شوروی را بخاطر روابط نزدیکش با آمریکا میزد و دوباره بر ریتختد غرور در باره نقشه معروف قدیمی بطر کیر که معتقد بود باید حدود روسیه را به خلیج فارس گسترش

## شاه به روایت هیکل ...

بعینه از صفحه ۳۹

داد میکرد، و وینوگرادوف همبینه او را مطمئن میساخت که این نقشه، در حقیقت یک کتک سیاسی بوده است که توسط یک دیپلمات فرانسوی (شوالیه دوان) ، اختراع شده بود. اما اینک، ابن اخصار با گدانی چیز دیگری بود و مسائل جدی تری باید مورد بحث قرار میگرفت.

بمحض ورود، تقریباً سی مقدمه، شاه از او پرسید "راضی به رویای من نظر میکنی؟" وینوگرادوف که تقریباً یکه خورده بود پاسخ داد "اعلمحضرتنا، فکر میکنم خود شما حقیقت را بهتر از من بدانید. شاه گفت "اما من میخواهم نظر شما را بدانم." "اعلمحضرتنا

بسیار متاثر شدم، اما نظر من ضعیف است و این بمذاق شما خوش نخواهد آمد." من میل دارم همان نظر مارکسیستی شما را بدانم. اهمیت نمیدهم که این نظریه باشد.

از اینرو، وینوگرادوف، با ملاحظه تمام شروع کرد به تحلیل مسائل مبارزه طبقاتی در ایران، درباره طبقات فقیری که انتقارات آنان برآورده شده بود، درباره طبقات متوسطی که از مداخلات خارجی بستن آبدوار امکان تعیین سرنوشت خود شرکت در مشدرات حکومت محروم مانده بودند.

اما او هنوز در باره ...

ریح و ب... در سیمب بمنزله یک دلال آمریکایی عمل میکنند چیزی نگفت، نمسأه لحنانی سانشیانی به این بیانات گوش کرد و با گلهان برسد اگر نمایبجائی من بودید چه میکردید؟" این سؤال غیر منطقیه ای بود

ولی وینوگرادوف خودش را ناچار میدید که جواب بدهد "اعلمحضرتنا، من در تمام عمر، هرگز شاه نبوده ام متاثر شدم که در این زمینه نظر من بهیچ بدر شما نخواهد خورد."

با اینحال سفیر، شاه را مطمئن ساخت که شوری هیچ اختلافی با وی ندارد و تا آنجا که برایش مقدور باشد آماده کمک به ایران است.

او خاطر نشان کرد، تا آنجا که به معاهدات مربوط است، شوری به همان چینی که از باقیمانده فعالیتهای غرب تصبش نده ضایع است چیزهایی مانند ذوب آهن نیروگاههای برق، راه آهن چیزهایی که در روز جمعه است زیاد می برد و سود اندکی حاصل میکند. ضرب المثلی روسی را برای شاه بازگفت که طبق آن، یک همسایه قوی خود یک جور شاه میسر است، چون مانع نمیشود بیگانگان از خود دهند.

دیدار با دکتر علی امینی

# ناامیدی از جوانها مراهبه میدان کشاند

اصلاحات بزرگدو کشور را به طریقی منجر به دموکراسی و آزادی خواهد شد هر چه کردی کند. حتی یادمان هست که مهندس بازرگان در ابتدا احکامات قانون اساسی مشروطیت عنیان سلطنتی به اجراء آمد. او هم فکر داشت هرگز فکرمی کردند و نهایت فحشه در انقضای آنها و مردم ایران است. پس دور از واقعیت خواهد بود اگر ما فکر کنیم مثلا در فتردی ایران با همه آدمکاران کشور کذاشت و کلولسه باران کرد.

صبحی فکرمی کم بسیاری از این جوانها که تمام بائدار گرفتار شده است با توجه به اعمال رژیم مشوجه : شاه خود شده اند و شهید ام بسیاری از آنها مخفی شده اند و بسیاری در گروههای کوچک و بزرگ آمادهی اجراء شده اند در صورت رهبری درست مبارزات به طرف سروهای مخالف پیوستند.

ایجا دیک حکومت دمکراتیک و مردمی را برای ایران فراهم کند. بهرحال بعد از مدتی با اصلاحات آزادی از دستان و وضعیتشان واقعی مصم شدم خودم وارد کار شوم. لذا دیک تصاحب ضبوعانی فرخ آشتی ملی را عزم کردم. بازرگانیدیا توجه به تجربیات گذشته هرگز نکریدم کار می آنگونه موزد اسفندال فرار گیرم بویزه در داخل ایران بطوریکه در سایر کشور کمینه هائی با تمام آشتی منی بوجود آمده که بسیاری از مردان سیاسی و آزادیخواهان ایرانی در آن شرکت دارند. با توجه به اینکه در شرایط فعلی باید کاری کرد که هر چه زودتر اوضاع نابسامان کشورمان دگرگون شود و جنگ خونریزی و قتل و غارت با آن کبیرد وجود است. گمبه ها می تواند زمینهای باشد برای اجتهای ایالتی و ولایتی که کارا در رهبرها را در یک حکومت مبنی بر قانون عهده دار خواهد بود

• یکی از ایرادهاست که بناگرفته میشود نلگرمی است که شما برای روحانیون بسیاری از دست انداز کاران رژیم اسلامی فرستادید و در آن رایین گروه خوانندگی دعوت شما برای آشتی ملی با حق دهد؟

امینی : بله اسر شدم و بعضی از اشتباهها را هم خواندم. یادمان داشتند که بسیاری از افرادی که مورد خطاب من قرار گرفتند در حال حاضر رویاروی رژیم ایساده اند هرگز آشتی شریعتمداری و منی و خلاصی همکارو همدم رژیم تیران نبوده اند. آقای بازرگان و بیی مدرم تکلفشان معلوم است آیا و چینی است ملی فکرمی کردند میفرماید با وجود خفتی دست

## پیشنش در آمد

وقتی علی امینی در هفتاد سالگی ، توی هتل کریستون پاریس در برابر خبرنگاران خارجی ایستاد و سخنرانی ملی و راه تازه برای نجات وطن داد. آنجا که او را عامل آمریکا و عاقد قرارداد دکنرسیوم میدانستند با لبخند گفتند ریگان جمهوری خواه روی کار آمده است و لابد با زیا چهره و نام نخست وزیر اسبق دامی تازه برای ایران تدارک دیده است. جیبی ها و حشمت زده شدند که لابد خبری بوده است که بازرگان که علی امینی پیدا شده و دست راستها که دلخوشی از او نداشتند و یکی از دلایل سقوط سلطنت را ، امرار امینی به شاه در مورد خروج او از ایران و تشکیل شورای سلطنت میدانستند به او نداشتند که بله نواد امینی الدوله در مده روی کار آوردن طبله قاچاریه است چراکه هنوز سخن از قانون اساسی ۱۹۰۶ محمد علیفا می گویند.

در همان حال بسیاری از کسانی که نه در مارکسیسم راه نجاتی یافته بودند و نه در رژیم سابق راه رستگاری را جسته بودند ، از پیشنهاد امینی استقبال کردند که بپیرمرد اگر دلش بحال وطنش نمیبوخت بمیدان نمی آمد چه نه تاب و توان زیادی برای او مانده و نه وسوسه شغل و مقامی . هر چه بود حرکت او رژیم را در تهران تا آنجا بوحشت انداخت که ما همه آشنائی و دوستی قدیمی دکتر علی امینی با اکثر آخوندها ، رادیکالوئیزون و مطبوعات رژیم جمهوری اعلامی ناگهان حمله همه جانبه ای راه او آغاز کردند که همچنان ادامه دارد.

فرستی دست داد تا با دکتر امینی به گفتگو بنشینم و اگر چه بنا به مصالح مهمتری که دورا مبارزه برای رهائی ایران همه گرفتار رژیم ، حرمه انجمن مریم و روشن نیست با اینهمه می تواند نمائی از چهره امروز دکتر امینی را ترسیم کند . سیاستمدار سالخورده و با تجربه آنقدر شکیبائی داشت که حتی در برابر سوالاتی نظیر اینکه : شما در برابر کسانی که میگویند امینی آمریکا است و بدستور آمریکا وارد صحنه شده چه میگویند؟ با خوشبردی بگوید : ظاهرا " آمریکا آدمهای جوانتر و قائلتر و مقبول تر از من را سراغ دارد و لذا هرگز بدینال بنده نخواهد آمد و من نیز جز برای مصلحت وطن و هموطنانم به میدان نیامده ام . آنچه میخواهید حاصل گفتگوی کوتاه ما است ما با او بائند که دیدارهای از این دست بتواند مسیر مبارزه مردم ایران را هموارتر و پیروز تر ا قایل و موثر سازد.

• آقای دکتر امینی : پس از مدتی نشان بنهان و آنکار و تماس شما با مخالفان رژیم از یکسو و ارکان رژیم از نسوی دیگر ، امروز بائند آشتی ملی شما به کجا رسیده است؟

امینی : آشتی ملی یک فکر مجرد است یک طرح محسب و غریب نبود و اصولا بسبب نوع پیشنهاد من چه در داخل و چه در خارج ایران ، استقبال از آن طرح ، بنایف بود من در دست از همتایان که ایساده به اصلاح در ایران با وجود مذاقت او نه جیبی از بسین رفت دست بگا رندم و البته همه ما بطور که شما گفتید بسد در آغاز بدون آنکه بسود در صحنه حاضر شوم . ضمن مذاکره با رجال ملی و بسین برست ایرانی در مده در آمد اتحادی از سروهای مخالف

وملی در برابر رژیم حاکم تهران بوجود آورم که این عده دست در دست یکدیگر با کمک ارتش و رجمهتال آزاد بخونهی که در داخل کشور هستند کشتی طوفانزده ایران را به ساحل آشتی هدایت کنند. این بالاتر البته منظور که منظور داتم به نتیجه نرسیدم چرا که برای بعضی از آقایان که دوستان عزیز بنده میسر هستند - من " سمیت پیش از مسائل دگر مطرح بود. بنده در این دوستان گفتیم اینده بیانشده مردم ستان بدهیم که جیبی از خودم ستان بنگریم نجات وطن هستیم و بسد از آنها بخواهیم برا حمان فداکاری کنند دست بسد اعتقاد بسد ، با سوجه به نخرید ای که در مده ستان گذشته دست آورده است بسد بها خبرند تا مقده

امینی : اولاً بنده عرضی



زحمت بنده را کمتر کرده اند  
بهر حال امیدوارم آقای  
بختیار و دوستانشان دست  
در دست هم بگذارند و همانطور  
که گفتیم هم بیاییم از "من"  
بگذریم و به یک "ما"ی بزرگ  
برسیم .

● در مورد عاقل پهلوی  
چه میگویند آیا خبر  
ملاقات شما با او درست  
بود؟

امینی : ایشان جوانی  
است با آرزوهای بزرگ و به  
هر حال فریاد ایران برای  
همه می تواند صدند . اما پیشی  
باشد و همانطور که گفتیم  
"بر مردمنده جای هر کسی  
را تعیین خواهند کرد .  
بگذارید ایرانی با بنده  
اینکه چه کسی پادشاه پنا  
رئیس جمهوری آن شود فرغ  
فصله است .  
بنده هنوز با ایشان  
ملاقاتی نکرده ام .

● بیایم که در این  
تاریخ برای مردم  
مصیبت زده ما داریم  
چست ؟ برای مردمی  
که هر روز شاهد کشتار  
عزیزان خود بدست  
حاکمان با مظلوم ملای  
ایران هستند ؟

امینی : من از هموطنان  
عریزم میخواهم زن و مرد  
و پسر و جوان در کنار راست  
و نیروهای انتظامی برعکس  
اینهمه کشتار ، انجمنهای  
آنتی ملی را در شهر و روستا  
و بازار ، محله و کارخانه  
تکلیف دهند تا به نیروی  
خواب آلود از خوشترس  
و نترسیدن یک ملت جلوگیری  
نموند . ضرورت حکومت آنتی  
ملی که اعلام کرده ام در اس  
اوج وحشت هر روز بیشتر  
از روز پیش چشم میخورند  
باید امیدوار بود که  
اوج کشتار و وحشت بنده  
شعبه و سقوط این حکومت  
سنگین و آدمکش است  
و سروری به شی از آن ملت  
خواهد بود .

کردم هنگامی که وطن آزاد  
شد و تحت شورائی مرکب  
از رجال آزاده مقیم داخل  
و خارج کشور اداره شد ، من  
تصمیم گبری مستقیم مردم  
ملک مملکت داری قاسم  
اساسی مشروعیت منتهای دخیل  
و تفرقاتی است که بعد از سال  
۱۹۵۶ در آن شده البته این  
معنای بازگشت به  
فاجاریه آنطور که بعضی  
از گوته نظران می گویند  
نیست . بنده شخصاً به  
قانون اساسی مشروعیت کس  
خوشنهای مردان بزرگ و تازه  
سرزمین ما است ایستادن  
دارم . البته نوع رژیم  
هرگز نمی تواند یک مسئله  
منم باشد . مردم فایزترین  
داور برای انتخاب بهترین  
رژیم برای یک ایرانی  
بختیار چه و آزاد هستند .

نکته دوم اینکه اگر بنده  
بنده فرصت داده می باشد  
مطابق قانون اساسی و بیس  
اختیارات یک دست و ریبر  
مشروطه کار کنم هرگز بنده  
اینجا نمی رسیدیم .  
در مورد مسئله نومها نظور  
که قبلاً گفتم ما از همه  
نیروهای مخالف رژیم  
دعوت کرده ایم در مجلس  
تعلی با کمارتپان اختلافات  
و قبول نظریه آشتی ملی  
و ایده های خاص خود را کنار  
بندیم و هنگامی که همه  
به ایران بازگشتیم  
مطمئناً زمینه برای تبلیغ  
آندینه خود خواهد داشت .  
بنده هیچ انگالی در همکاری  
با آقای مدنی و اب  
آقایان نمی بینم و معتقدم  
همه آنها که در شرایط فعلی  
بها روزه می کنند آدمهای  
خاکرم و ارتعندی هستند .

● با دکتر بختیار چه  
کردید ، آیا تماسهای  
شد با ایشان به نتیجه  
رسید ؟ و اگر رسید  
توجه به امکاناتی که  
وی را نظور دید  
تنگناتی نظامی و غیره  
دارد ، اما این امکانات  
در اختیار کس است ؟  
ملی عز را گرفته است ؟

امینی : ما اینست  
مذاکره ای داشتیم ، بنده  
اجراً مرادی برای آقای  
دکتر بختیار را تا اتم  
اختلافاتی بود در نحوه  
روباروشی با مسائل بنده  
به این عرض کردم بنده  
درس و سالی حتم که عشق  
به مقام و موقع مراد میدان  
گشاده با مدینه علاقمندم کس  
دوباره ممنونست  
را به بصرم لذا هر چه گشاده  
اگر دی مثل ایشان بضمور  
حدی سرور را متکرمست

فروهر آمریکائی



بیشک هیچکدام  
از ایرانیان ، قیافه رهبر  
حزب ملت ایران و مصدق  
برشور داریوش خان فروهر  
را از یاد نبرده اند . آقای  
فروهر که روزی اسم مصدق  
رابی وضو نمی بردن خستین  
وزیر کار جمهوری اسلامی  
بود و بتیان گزار جماعت  
او باش حزب الله - بیخاطر  
مقام وزارت و سرسپردن به  
خمینی به جبهه ملی که  
بسیست سال عضو آن بود  
بشت کرد و هنگامی که امام  
مصدق را مورد حمله و عتاب  
قرار داد ، این حملات ،  
رانادیده انگاشت و لسی  
دیری نیاید که از اوج غرب  
به حقیقت مذلت افتاد  
معاونت " تکمیل همایون " را  
بجرم جاسوسی برای آمریکا  
و اسرائیل گرفتند خوبش  
را آمریکا و خودش را خائن  
و همدست با دکترا مسلم  
خواندند .

بانام و یاد مصدق  
که او ادعای سرسپردگیش  
را داشت به ستیزی کینه  
جویانه برخاستند و کاری  
کردند که او نیز به جمع  
زیرزمینی ها و مخفی شدگان  
پیوست . کاش میشد  
آینده را دید و تماشا کرده  
روزی را که پس از سقوط  
رژیم خمینی ، آقای فروهر  
با چه کلامی همکاری و همدستی  
با خمینی را توجیه میکنند و با  
چه روشی به میان جامعه  
باز میگردد ؟ اگر چه آدمهایی  
مثل فروهر همیشه برای  
توجیه اعمال خود ، دلائل  
فراوانی دارند . همانگونه  
که دوستان اهل جبهه شان  
اینها دست به ارائه  
آنها زده اند .